

## بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

درس خارج فقه نظام سیاسی اسلام آیت الله اراکی رحمته الله علیه «جلسه ۲»

سال تحصیلی ۱۳۹۹-۱۴۰۰

تفاوت های طبیعی منشأ امتیاز نیست مثلاً اگر عده ای رنگ پوستشان نوع خاصی باشد و یا از منطقه جغرافیایی خاصی باشند، امتیاز خاصی بر دیگران ندارد که گفته شود چون پوستشان سفید است - مثلاً - مسئول شوند یا از بیت المال بهره بیشتر ببرند.

بله؛ خواهیم گفت که ممکن است تفاوت ها منشأ تنوع در کار در جامعه باشد؛ یعنی استعداد های یک فرد مشخص کند که چه کاری را این شخص انجام بدهد و چه کاری را شخص دیگری انجام بدهد؛ لذا مثلاً یکی هنرمند خوبی است و چون هنرمند خوبی است نمی توان گفت باید مسئول اداره کشاورزی شود! بلکه هرکس باید بنا بر استعدادی که دارد، کار مطابق با آن استعداد را انجام دهد.

به هر حال تفاوت های طبیعی منشأ امتیازات اجتماعی نیست؛ اما اگر تفاوت های طبیعی باعث شد که کسی در کار خاصی بهتر باشد، آن کار را به او می سپارند.

دلیل این مطلب آیات و روایت متعددی است که اشاره می کنیم:

﴿يَا أَيُّهَا النَّاسُ إِنَّا خَلَقْنَاكُمْ مِنْ ذَكَرٍ وَأُنْثَىٰ وَجَعَلْنَاكُمْ شُعُوبًا وَقَبَائِلَ لِتَعَارَفُوا إِنَّ أَكْرَمَكُمْ عِنْدَ اللَّهِ أَتْقَاكُمْ إِنَّ اللَّهَ عَلِيمٌ خَبِيرٌ﴾<sup>۱</sup>

ای مردم! ما شما را از یک مرد و زن آفریدیم و شما را تیره ها و قبیله ها قرار دادیم تا یکدیگر را بشناسید؛ گرامی ترین شما نزد خداوند با تقواترین شماست؛ خداوند دانا و آگاه است.

عبارت ﴿ارْزُقُوا إِنَّ أَكْرَمَكُمْ عِنْدَ اللَّهِ أَتْقَاكُمْ﴾ نشان دهنده این است که تفاوت های طبیعی منشأ و ملاک امتیاز نیست!

در آینده خواهیم گفت ملاک امتیاز در اسلام چیست؛ مثلاً علم یک ملاک امتیاز است، خداوند در قرآن می‌فرماید:

﴿هَلْ يَسْتَوِي الَّذِينَ يَعْلَمُونَ وَالَّذِينَ لَا يَعْلَمُونَ﴾<sup>۱</sup>؛

آیا کسانی که می‌دانند با کسانی که نمی‌دانند یکسانند؟!

بنابراین ملاک‌های امتیاز و برتری، ملاک‌های منطقی و برهانی است؛ نه ملاک‌های طبیعی. خداوند در قرآن کریم می‌فرماید:

﴿فَاسْتَجَابَ لَهُمْ رَبُّهُمْ أَنِّي لَا أُضِيعُ عَمَلَ عَامِلٍ مِنْكُمْ مِنْ ذَكَرٍ أَوْ أُنْثَىٰ بَعْضُكُمْ مِنْ بَعْضٍ﴾<sup>۲</sup>؛

خداوند، درخواست آنها را پذیرفت؛ (و فرمود:) من عمل هیچ عمل‌کننده‌ای از شما را، زن باشد یا مرد، ضایع نخواهم کرد؛ شما هم‌نوعید، و از جنس یکدیگر!

عبارت ﴿أَنِّي لَا أُضِيعُ عَمَلَ عَامِلٍ مِنْكُمْ مِنْ ذَكَرٍ أَوْ أُنْثَىٰ﴾ نشان دهنده این است که کسی به خاطر جنسیت عمل او ضایع نمی‌شود و به دلیل التزامی دلالت دارد بر اینکه جنسیت، ملاک در ارزش عمل نیست.

آیات دیگری هم در این خصوص وجود دارد که به جهت اینکه تطویل بحث نشود به همین مقدار اکتفا می‌کنیم.

در تفسیر قمی آمده است:

قوله ﴿ارْفُوا إِنَّا أَكْرَمَكُمْ عِنْدَ اللَّهِ اتِّفَاقًا﴾ و هورد علی من یفتخر بالاحساب والانساب، وقال رسول الله ﷺ یوم فتح مکة:

«یا ایها الناس ان الله قد اذهب عنکم بالاسلام نخوة الجاهلیة وتفاخرها بآبائها ان العربیة لیست بأب ووالدة و إنما هو لسان ناطق، فمن تکلم به فهو عربی، ألا انکم من آدم و آدم من تراب و اکرمکم عند الله اتقاکم»<sup>۳</sup>؛

۱. سورة زمر: ۹.

۲. سورة آل عمران: ۱۹۵.

۳. تفسیر القمی؛ ج ۲، ص ۳۲۲.

رسول خدا ﷺ در خطبه‌ای که در حجة الوداع در وسط ایام تشریق در عرفات خواندند فرمودند: (که در حجة الوداع حضرت رسول ﷺ در دو جا بلکه در سه جا خطبه خواندند: در منا، عرفات و غدیر؛ که در این سه جا پایه‌های سیاسی نظام اسلامی را مطرح کرده و مهم‌ترین سخن حضرت در هر سه جا در خصوص اهل بیت و نقش آنها در نظام سیاسی و تبیین بنیادهای ساختار سیاسی در جامعه اسلامی بوده است) در آن خطبه حضرت فرمودند:

«يَا أَيُّهَا النَّاسُ إِنَّ رَبَّكُمْ وَاحِدٌ وَإِنَّ أَبَاكُمْ وَاحِدٌ كُلُّكُمْ لِآدَمَ وَآدَمُ مِنْ تُرَابٍ «إِنَّ أَكْرَمَكُمْ عِنْدَ اللَّهِ أَتْقَاكُمْ» وَلَيْسَ لِعَرَبٍ عَلَى عَجَمٍ فَضْلٌ إِلَّا بِالتَّقْوَى»<sup>۱</sup>؛

به تحقیق پروردگارتان یکی است، و پدرتان نیز یکی است، همه شما از آدم، و او نیز از خاک بود، «هرآینه گرامی‌ترین شما نزد خدا پرهیزگارترین شماست» برای هیچ فرد عربی بر عجمی فضیلتی نیست مگر به پرهیزگاری.

حسین بن سعید اهوازی نقل می‌کند:

عَنْ أَبِي جَعْفَرٍ عَلَيْهِ السَّلَامُ قَالَ: «أَصْلُ الْمَرْءِ دِينُهُ وَحَسَبُهُ خُلُقُهُ وَكِرْمُهُ تَقْوَاهُ وَإِنَّ النَّاسَ مِنْ آدَمَ شَرَعٍ سَوَاءٍ»<sup>۲</sup>؛

امام باقر علیه السلام فرمود: شخصیت انسان در دینداری اوست، حسب و نسب او در خلق و خوی اوست، کرامت او در تقوای اوست؛ و همانا تمامی انسان‌ها به طور مساوی از نسل حضرت آدم علیه السلام هستند.

این را در علم الاجتماع توضیح خواهیم داد که چگونه هویت انسان را دین او شکل می‌دهد.

در روایت معروف ابی حمزه ثمالی آمده است:

۱. تحف العقول؛ ص ۳۴.

۲. بحار الأنوار؛ ج ۷۰؛ ص ۲۹۳.

«وَأَذْهَبَ إِلَىٰ سَلَامٍ مَا كَانَ مِنْ نَخْوَةِ الْجَاهِلِيَّةِ وَتَفَاخُرِهَا بِعَشَائِرِهَا وَبَاسِقِ أَنْسَابِهَا  
فَالنَّاسُ الْيَوْمَ كُلُّهُمْ أَبْيَضُهُمْ وَأَسْوَدُهُمْ وَفُرْشِيُّهُمْ وَعَرَبِيُّهُمْ وَعَجَمِيُّهُمْ مِنْ آدَمَ وَإِنَّ آدَمَ  
خَلَقَهُ اللَّهُ مِنْ طِينٍ وَإِنَّ أَحَبَّ النَّاسِ إِلَى اللَّهِ ﷺ يَوْمَ الْقِيَامَةِ أَطْوَعُهُمْ لَهُ وَأَتْقَاهُمْ»؛

خداوند به واسطه اسلام، تکبر و فخر فروشی خانوادگی و نسب‌های والا را از بین  
برد، در نتیجه، امروز همگی از سپیدپوست و سیاه‌پوست و عرب و عجم، از  
آدم عليه السلام هستند و خدا نیز آدم را از گل آفرید، و محبوب‌ترین مردم در پیشگاه  
خدا ﷺ در روز قیامت، کسی است که بیش از همه از خداوند اطاعت کرده و  
با تقواتر بوده است.